

نسخه‌ای خطی از دیوان حافظ

یکی از نسخه‌های خطی پرارزش دیوان حافظ در موزه ملی دهلی نو محفوظ و تازه خرید گردیده است. نسخه نامبرده ظاهراً در سال ۸۲۶ هجری (۱۴۲۳ میلادی) بخط نسخ متوسط استنساخ شده، چنانکه از رباعی ذیل برمی‌آید، که در آخر نسخه داده شده است:

ختم شد دیوان شهر حافظ شیرین کلام برسر طاوس قدسی آشیان فخر انام
هژدهم ماه ربیع‌الآخر اندر چشمتگاه بدسه‌شنبه روزهجرت صاد و ذال و واو و لام

این نسخه که شامل ۱۹۲ ورق است، بقطع ۱۴ × ۲۴٫۸ سانتیمتر می‌باشد. ظاهراً این نسخه در عهد ستلاطین دهلی کتابت گردیده و مرکب و طرز تحریر هم هندی است. در هر صورت نسخه مزبور دارای غزل و مقطعات و رباعیات زیر است که در نسخه‌های چاپی دیده نمی‌شود:

به هیچ کس نبرم دیگر از در تو نیاز	چو کعبه یافتم از بت پرستی آیم باز
شبی چنین بسحرگه زیخت می‌خواهم	که با تو شرح سرانجام خودکنم آغاز
در این زمان من شوریده دل نهادم رخ	بر آستان تو کاندرازل بروی نیاز
امید قد تو می‌داشتم ز بخت بلند	نسیم زلف تو می‌خواستم ز عمر دراز
چه گویمت که زسوز درون چه می‌بینم	زاشک پرس حکایت که من نیم غماز
دلای منال ز شامی که صبح در پی اوست	که نوش و نیش بهم باشد و نشیب و فراز
... خاطر ما چشم خصم کور کند	تو رخ بخاک بنه حافظ بسوز و بساز

مقطعات

یکی کوه پایه سر اندر سحاب	کنام پلنگ آشیان عقاب
ز افعی شدش حلقه اندر کمر	ز تیغش ز حل را سر اندر خطر
هراسنده دیو از دم غار او	دل اژدها در دم مار او
چنان قدرتش گردن افراز بود	که با کرشیش عرش همراز بود

تاریخ وفات سلطان المظاع

شاه شجاع انار الله برهانه

آینده - در انشاء زیبا و شیرین نویسنده فارسی دوست هندوستانی تصرفی نشده. این مقاله به چاپ رسید زیرا بهر حال معرفی یک نسخه خطی حافظ است از هرسانی که باشد.

شد شخص ناتوانم باریک چون هلالی
زین بیشتر نباشد بر هجرت احتمالی

رحم آر بر دل من کز مهر روی خوبت
حافظه‌مکن شکایت‌گر وصل یار خواهی

رباعیات

سرمایه عمر جاودانی عشق است
سرچشمه آب زندگانی عشق است

نوبساوه گلبن جوانی عشق است
چون خضر گر آب زندگانی طلبی

* * *

درد تو زهر بر بصری خالی نیست
سودای تو از هیچ سری خالی نیست

عشق تو زهر بی خبری خالی نیست
هر چند که در خلق جهان می‌نگرم

* * *

نی در طلب نسامتاهی پرداخت
کز نقش بنقاش نخواهی پرداخت

نی جان تو اسرار الهی پرداخت
دردا که چنان بنقش مشغول شدی

* * *

بر خلق جهان رزق پراکنده کند
کو فاتحه در کار نویسنده کند

ایزد که دهان گل بر از خنده کند
از لطف و کرم بر آن کسی بخناید

* * *

زنجیر بلا بر من دیوانه نهاد
تا پای مبارک اندر آن خانه نهاد

عشق آتش غم در دل پروانه نهاد
بر من نگذشت هیچ نیکی و بدی

* * *

عیبی نبود ز دوستان یاک آور
می را که تو در یاکه داری می‌خور

ای هرنفس نهاده بر کف ساغر
ما را می لعل نیست جز در دیده

* * *

وان محرم و مونس هر آزاده بیسار
باده ت که زود بگذرد باده بیسار

آن لعل در آبگینه ساده بیسار
چون می‌دانی که مهرت عالم (۹) خاک

* * *

ابیات بی‌شمار که در این نسخه خطی بصورت قصیده، مثنوی، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند، قطعه و رباعی آمده، در نسخه چاپی پژمان^۲ «مشکوک» محسوب یا «منسوب بحافظ» گردیده است. همینطور غزلیات و مقطعات و رباعیات دیگر این نسخه در نسخه پژمان «الحاقی» و در نسخه‌های چاپی جیرت^۳ و ابوالفتح^۴

۲- دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی بتصحیح حسین پژمان، کتابفروشی و چاپخانه بروخیم، تهران، ۱۳۱۸ ه. ش.

۳- دیوان حافظ برای افسران صیغه ملیتری و سیویل... دردگری آف‌آنز، بنگرانی جناب میجر پریچ الیس جثرت صاحب بهادر... در مطبع اردو گائیه باهتام مولوی کبیرالدین

«الحاقی» گفته شده است.

پژمان سعی نموده است که بسیاری از آثار دیگران را که بحافظ منسوب گردیده نشاندهی نماید. سپس بسیاری از غزلیات که در نسخه موزه ملی موجود است، طبق نظر وی از شعرای دیگر می‌باشد.

جزئیات این نسخه نیز با نسخه‌های دیگر فرق می‌کند. مثلاً غزل ذیل که در نسخه‌های چایی قزوینی^۵ و پژمان بالترتیب شامل ۲۵ و ۲۶ بیت است، در نسخه موزه ملی دارای ۲۷ بیت است و بییتی که در دیگر نسخه وجود ندارد از این قرار است:

حافظ بجان حجت رسول است و آل او در این سخن گواست خداوند اکبرم

همین‌طور یک غزل دیگر که در نسخه‌های چایی شامل ۱۲ بیت است، در این نسخه دارای ۱۸ بیت است و ۶ بیت دیگر اینطور می‌باشد:

وقت گل گوئی که شاهد شو بچشم و سر ولی می‌روم تا مشورت با شاهد و ساغر کنم
چونکه امروزم بهشت نقد حاصل می‌شود نیمة فردای زاهد را کجا بساور کنم
شیوه رندی نه لایق بود اما این زمان چون در افتادم چرا اندیشه دیگر کنم
ور جو بید بی‌ثمر ناگه کنون صوفی شوم بعد از آن از شرم روی گل کجا سر بر کنم
ور چنین نه راه خواهد گفت با ما مدعی خاک راه پادشاه از دست او بر سر کنم
گوشه محراب ابروی تو می‌خواهد دلم تا در آنجا همچو حافظ درس عشق از بر کنم

گذشته از این یک غزل که در این نسخه با مطلع ذیل شروع می‌شود:

برسر بازار جان‌بازان منادی بشنوید بشنوید ای ساکنان کوی رندی بشنوید
در نسخه قزوینی بصورت قطعه و در نسخه نذیر احمد^۷ بصورت غزل، ولی بدون مطلع، نقل گردیده. نیز همان مطلع بصورت یک بیت اینطور آورده شده است:

برسر بازار جان‌بازان منادی می‌زنند بشنوید ای ساکنان کوی رندی بشنوید

→ احمد در دارالامارة کلکته، سنه ۱۸۸۱ طبع شد.

۴- دیوان حافظ شیراز، مرتبه و مصححه ابوالفتح عبدالرحیم، مطبوعه دارالطبع جامعه عثمانیه، سرکار عالی (حیدرآباد) ۱۳۳۱ هـ.

۵- دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی به اهتمام محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی، سرمایه کتابفروشی زوار، چاپ سینا، تهران.

۶- این شعر در پاورقی پژمان با قدری اختلاف موجود است.

۷- دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی به اهتمام دکتر سید محمد رضا جلالی نائینی و دکتر نذیر احمد، شماره ۳، سازمان امور فرهنگی و کتابخانه‌های آستان قدس،

در پاورقی نسخهٔ جرئت هم این بیت بصورت مطلع نقل گردیده است. علاوه بر این غزل ذیل که در این نسخه در ردیف «د» دیده می‌شود، در نسخهٔ قزوینی در ضمن مقطعات داده شده است.

دادگرا ترا فلک جرعه کئی پیاله باد دشمن دل سیاه تو غرقه بخون چو لاله باد
همچنین مثنوی ذیل که در این نسخه با عنوان «وحش نامه» داده شده، در نسخه‌های دیگر بدون این عنوان می‌باشد:

الا ای آهوی وحشی کجائی مرا با تست چندین آشنائی

غزل ناشناختهٔ ذیل که در این نسخه موجود است، اصلاً از حافظ نیست، بلکه از جامی است که در جواب غزل مشهور «لسان الغیب» سروده شده است:

زان شست وشو که در چمن از زاله می‌رود داغ جفای وی ز دل لاله می‌رود
ساقی بیار باده که از یسک دو روز عیش در فصل گل کدورت یک ساله می‌رود
از خاطر م سه بوسهٔ میگون لب نوشتم بحشی که از ثلاثهٔ غساله می‌رود
هر سو که کوچ کردهٔ ما را بر گرفت ما را ز دیده اشک بدنباله می‌رود
نظم تو می‌رود ز خراسان بشاه فارس گر شعر او ز فارس به بنگاله می‌رود
هر کجا که رفت زورقی حافظ ببحر شعر جامی سفینهٔ تو ز دنباله می‌رود

نورالدین عبدالرحمن جامی در سال ۸۱۷ هجری، ۱۴۱۴ میلادی متولد شده و در سال ۸۹۸ هجری، ۱۴۹۲ میلادی درگذشته است. پس چطور ممکن است که غزل وی در سفینه‌ای یافته شود که در سال ۸۲۶ هجری، ۱۴۲۳ میلادی استنساخ گردیده است؟ سپس حتماً نسخهٔ خطی موزهٔ دهلی نو در سال ۸۲۶ هجری کتابت نشده است. هنوز یکی از نسخه‌های پرارزش دیوان حافظ محسوب خواهد شد.

جامع التواریخ حسنی

بخش تیموریان پس از تیمور - نوشتهٔ سالهای ۸۵۵ تا ۸۵۷

تألیف تاج‌الدین حسن بن شهاب یزدی

به کوشش

ایرج افشار

حسین مدرس‌سی طباطبائی

از انتشارات مؤسسه تحقیقات علوم آسیایی میانه و غربی دانشگاه کراچی

چاپ کراچی - ۱۹۸۷